

درباره زندگی کارگر مبارز رفیق سلیمان میریلوک



رفیق شهید سلیمان میریلوک در سال ۱۳۴۱ در دهکده "سلنگ وا" از توابع استان گیلان در خانواده ای روستائی به دنیا آمد. فقر و تنگدستی خانواده در همان سال های نوجوانی ، سلیمان جوان را مجبور نمود تا به خاطر تهیه مایحتاج اولیه زندگی خانواده به کار طاقت فرسا در شالیزارها پرداخته و به این ترتیب از همان جوانی با استثمار و رنج و ستم آشنا گردد. بعدها او برای تهیه معاش خود و خانواده محرومش به ناچار به شهرهای گوناگون سفر کرده و در شغل های مختلف به کار پرداخت. از کار در مزارع گرفته تا کار در کارگاه های مختلف، از شاگردی تا کمک رانندگی، زندگی سراسر درد و رنج سلیمان را تشکیل می داد. سال ها کار سنگین و پر مشقت ، سلیمان را از نزدیک با مظالم نظام سرمایه داری موجود و ستم بی حدی که از سوی نظم ظالمانه حاکم بر میلیون ها انسان همانند او روا می شد، هر چه بیشتر آشنا نمود. این شناخت به طور طبیعی کینه عمیق او نسبت به نظام سرمایه داری وابسته، به مثابه عامل همه ظلم ها و ستم ها را باعث گشت. به همین دلیل هم وقتی که توده ها در سال ۵۶ علیه وضع حاکم به پا خاستند ، سلیمان نیز هم چون میلیون ها زحمتکش دیگر به این انقلاب پیوست.

رفیق سلیمان فعالانه در مبارزات سال های ۵۶ و ۵۷ شرکت نمود و پس از قیام بهمن و شکل گیری مجدد سازمان مجاهدین و آشنائی او با این سازمان در ارتباط با مجاهدین قرار گرفت و فعالیت های مبارزاتی اش را در چهارچوب این سازمان پیش برد. پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و به دنبال یورش وحشیانه رژیم ددمنش به سازمان های سیاسی، رفیق سلیمان و چند تن دیگر از هم زمانش به علت قطع ارتباط شان با مجاهدین، در جنگل های منطقه ماسال حرکتی را سازماندهی کردند. او در چهارچوب این حرکت به کمک دیگر هم زمانش ، دو عملیات در مناطق جنگلی ماسال انجام داد که باعث کشته شدن چند تن از مزدوران جمهوری اسلامی و مصادره سلاح های آنان گردید.

رفیق سلیمان پس از ضربه خوردن گروه کوچک شان و دستگیری چند تن از یارانش، جهت ارتباط گیری با مجاهدین به کُردستان سفر نمود و به این سازمان پیوست. اما با شناختی که وی از نزدیک از برنامه و عملکردهای سازمان مجاهدین پیدا کرده بود، از آن سازمان جدا شده و به سازمان کومله پیوست. او در این سازمان نیز مدت زیادی نماند. آغاز درگیری های کومله و حزب دمکرات شکی برای وی باقی نگذاشت که این درگیری ها عملی غیر انقلابی و به ضرر جنبش خلق کُرد بوده و تنها دشمنان مردم از آن سود خواهند برد. در نتیجه وی از سازمان کومله جدا شده و به صفوف پیشمرگان چریکهای فدائی خلق پیوست.

رفیق سلیمان که در صفوف پیشمرگان سازمان با نام "کاک قادر" شناخته می شد در چندین جوله سیاسی - نظامی چریکهای فدائی خلق در کُردستان شرکت نمود و به اعتبار قابلیت های نظامی اش به یکی از مسئولین نظامی سازمان در کُردستان ارتقاء یافت. از جمله عملیات هائی که رفیق سلیمان معاونت تیم نظامی را در آن ها بر عهده داشت، می توان تعرض به پایگاه های سوره بان و کچل آوا در منطقه سردشت را نام برد.

رفیق سلیمان کارگری بود که در جریان زندگی، عامل اصلی رنج و ستم رنجبران که سرمایه داران و رژیم های حامی آن ها می باشند را شناخته بود و به این واقعیت پی برده و ایمان داشت که با دیکتاتوری حاکم جز با گلوله نمی توان سخن گفت و تنها راه رسیدن به آزادی، مبارزه مسلحانه می باشد. در جریان فعالیت در صفوف چریکهای فدائی و با آشنائی هر چه بیشتر با مارکسیسم - لنینیسم، دنیای تازه ای در مقابل وی گشوده شد. وی همچنین با درک تئوری مبارزه مسلحانه، تئوری راهنمای چریکهای فدائی خلق، به خوبی به این امر آگاه گشت که جامعه ما زیر سلطه امپریالیست ها قرار دارد و جمهوری اسلامی رژیمی وابسته به امپریالیسم می باشد. رفیق سلیمان، این کارگر انقلابی هر چه آگاه تر می شد با قاطعیت بیشتری بر ضرورت جنگ تا نابودی دشمن طبقاتی پای می فشرد و در صفوف پیشمرگان چریکهای فدائی خلق عملاً در این جهت حرکت می کرد.

با تضعیف جنبش خلق کُرد در نتیجه ناکارآمدی سازمان هائی که در رأس این جنبش قرار داشتند، هر چه می گذشت جمهوری اسلامی بیشتر امکان سرکوب این جنبش را پیدا می نمود و صحنه سیاسی کُردستان بغرنجی بیشتری پیدا می کرد. با رشد روز افزون دسیسه های جمهوری اسلامی در کُردستان عراق، در ۲۷ فروردین ماه سال ۶۶، جمهوری اسلامی با همکاری اتحادیه میهنی کُردستان عراق، تهاجم سرکوبگرانه ای را موسوم به عملیات فتح ۵ علیه مردم کُردستان و پیشمرگان قهرمانش ترتیب داده و شهرک مرزی کهریزه را وحشیانه زیر آتش کاتیوشا و خمپاره قرار داد. این یورش باعث کشته و مجروح شدن عده زیادی از مردم بی دفاع این شهرک گردید و رفیق سلیمان میربلوک نیز که در همان زمان در این شهرک حضور داشت در جریان خمپاره باران وحشیانه جمهوری اسلامی قرار گرفته و بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید (همراه با یکی از مسئولین چریکهای فدائی خلق، رفیق ارزنده جمشید هدایتی). او شهید شد و به کاروان پر افتخار شهدای چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و در نتیجه سازمان ما بار دیگر رزمنده ای دلیر و پیشمرگه ای قهرمان را از دست داد. رفیق سلیمان میربلوک، این کارگر انقلابی و پیشمرگه قهرمان، با جسارت تمام در ده ها عملیات نظامی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شرکت نموده و بر قلب دشمن مزدور که خلق های سراسر ایران را به بند کشیده و شرایط جهنمی برای آن ها به وجود آورده است، بی باکانه آتش گشوده بود. سال ها تحمل رنج و سختی و سال ها مبارزه بی امان علیه سیستم سرمایه داری وابسته ایران و رژیم حامی اش، و سرانجام مرگ در راه آرمان های سرخ کارگران، این است چکیده ای از زندگی پر افتخار کارگر مبارز، رفیق سلیمان میر بلوک.

یاد رفیق کارگر، سلیمان میربلوک گرامی و راهش پر رهرو باد!